

سه‌شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۸ | ۱۰ رجب ۱۴۴۱ | ۲۵ فوریه ۲۰۲۰

ایران جذابیت اقتصادی برای ناشران ترک ندارد

ترکیه هم کتابخوان نیست



می‌گیرد. دولت در واقع سعی دارد وارد فعالیت‌هایی شود که بخش خصوصی رغبتی به انجام آن ندارد و سودی برای آن نیز ندارد. در سایر بخش‌ها مثل تئاتر و سینما هم وضع همین است.

وضعیت نظارت بر تولید محصولات فرهنگی در ترکیه چگونه است؟

اول از همه این را بگویم که دولت ترکیه از تولید محصولات فرهنگی در همه زمینه‌ها در صورتی که احساس کند برای مردم مفید هستند، حمایت می‌کند. در کنار این اگر یک فیلم سینمایی یا کتاب بخواد بدون حمایت دولتی منتشر شود، مجوزی دولتی برای انتشار آن وجود ندارد. کسی اجازه برای انتشار محصول فرهنگی نمی‌گیرد. اما برای دولت مهم است که کپی‌رایت آن محصول پرداخت شده است یا نه.دولت ترکیه از تولید محصولات فرهنگی در همه زمینه‌ها در صورتی که احساس کند برای مردم مفید هستند، حمایت می‌کند. در کنار این اگر یک فیلم سینمایی یا کتاب بخواد بدون حمایت دولتی منتشر شود، مجوزی دولتی برای انتشار آن وجود ندارد. کسی اجازه برای انتشار محصول فرهنگی نمی‌گیرد. اما برای دولت مهم است که کپی‌رایت آن محصول پرداخت شده است یا نه. وقتی در ترکیه می‌خواهی کتابی منتشر کنی باید در یک نامه به وزارت فرهنگ وضعیت کپی‌رایت کتاب را اعلام کنی.

اگر هنرمندی اثری تولید کند که دولت احساس کند در راستای سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و کشور ترکیه نیست با او چه برخوردی می‌شود؟

وقتی اثری به بازار می‌آید، تا زمان انتشار کسی کاری به آن ندارد اما پس از انتشار اگر کسی از آن شکایت کرد، به این موضوع در دادگاه رسیدگی می‌شود. البته شکایت کردن هم منوط به اکران و بخش محصول است و نه قبل از آن. این دادگاه است که تشخیص می‌دهد محصول مشکلی دارد یا خیر.

پیش آمده که دولت از هنرمندی و یا تولید محصولی شکایت کند؟

بله. اما همین شکایت هم به دادگاه عرضه شده است.

کشور ترکیه در یک دهه اخیر در زمینه به دست آوردن بازارهای تازه در صنعت نشر جهان و معرفی نویسندگانش به دنیا بسیار موفق بوده است. این اتفاق بر مبنای چه الگو و طی چه مسیری به دست آمده است؟ ترکیه یک مرز مشخص برای بررسی اثر پیش از عرضه ندارد. از سوی دیگر ترکیه هم از شرق و هم از غرب برای معرفی فرهنگ خود استفاده کرده است. این هم به موقعیت خاص جغرافیایی آن از می‌گردد. این وضعیت دست نویسنده ترکیه‌ای را بازگذاشته است تا آسان‌تر حرکت کند. مساله سوم نیز خصوصی بودن کار نشر در ترکیه است که بعد تجاری آن را رونق داده است. آنها مسئولیت اقتصادی کارهای خود را می‌پذیرند و رویش کار می‌کنند. طبق بخش خصوصی به دنبال سود بالاس و در نهایت رابطه نشر ترکیه با جهان غرب را هم باید به این معادله اضافه کنیم.

اطلاع دارید کدام کشور و زبان بیشترین طالب آثار ادبی ترکیه هستند؟

کشورهای انگلیسی‌زبان. مخاطبان این زبان در دنیا بیشتر هستند. ناشران ترکیه هم با انگلیسی‌زبانان اروپا و آمریکا رابطه کاری زیادی دارند. وقتی اثری در ترکیه به انگلیسی ترجمه شد معمولاً به شش تا هفت زبان دیگر هم ترجمه می‌شود. حتی ترجمه فارسی آثار ترکی نیز از نسخه انگلیسی معمولاً انجام می‌شود و وجود این ترجمه راهگشای بسیار خوبی است برای بازشدن پای یک کتاب در بازار جهانی.

بیش از ۱۰۰ دانشگاه. برخی رشته زبان و ادبیات ترکی و برخی تنها زبان ترکی را آموزش می‌دهند.

این دانشگاه‌ها بیشتر در کدام کشورها هستند؟

مختلف است. مثلاً در ازبکستان و تاجیکستان حضور پررنگی داریم. در هشت دانشگاه افغانستان هم رشته زبان و ادبیات ترکی داریم

و برای این کار چقدر بودجه دارید؟

فرق می‌کند. بودجه دولتی برای این مساله تنها برای بنیاد ما نیست. نهادهای دیگری مانند آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه یا اداره کل جوامع خویشاوند و ترک‌های خارج از کشور که کارش بورسیه کردن اهالی فرهنگ ترک است یا بنیاد معارف و نیز خود وزارت فرهنگ را نیز باید به این جمع افزود. ما سعی می‌کنیم با هزینه کم کارهای گسترده انجام می‌دهیم. بودجه فرهنگی در ترکیه هر سال بسته به وضعیت دولت متغییر است اما می‌توانم بگویم که رفته رفته وضعیت بودجه در حال بهتر شدن است. البته فراموش نکنید تنها ده سال از تأسیس مرکز یونس امره می‌گذرد و قبل از آن چنین فعالیت‌هایی نداشته‌ایم. هر سال دولت در حال اضافه کردن برنامه‌ها و نهادهایی برای توسعه کار فرهنگی است. البته از وضعیت موجود راضی نیستیم اما ناراضی هم نیستیم.

در ایران با کدام دانشگاه‌ها ارتباط کاری دارید؟

دانشگاه علامه طباطبایی. فعلاً تنها در این دانشگاه زبان و ادبیات ترکی آموزش داده می‌شود. وضعیت آموزش زبان فارسی در ترکیه چطور است؟

در حدود هفت هشت دانشگاه به صورت مستقیم این رشته تدریس می‌شود و در کنارش رشته تاریخ را هم باید اضافه کرد.

پس ایران از شما در صادر کردن فرهنگ به همسایه‌اش موفق‌تر بوده است؟

بله البته هم دوست داریم این کار را در ایران بکنیم و گسترده کنیم اما تصمیم با خود دانشگاه‌هاست که بخواهند این رشته را ایجاد کنند. ما حاضریم به آنها کمک کنیم اما بیشتر از این احساس نیاز به ایجاد این رشته است. در ترکیه برای آموزش زبان و ادبیات فارسی احساس نیاز شد و این رشته ایجاد شد. بالاخره مطالعه فرهنگ و تاریخ و زبان ترکیه نیاز داره به دانش زبان فارسی و البته بالعکس این موضوع هم صادق است. با این همه این نظر من است و دانشگاه‌ها شاید طور دیگری فکر کنند

ترکیه امسال مهمان ویژه نمایشگاه کتاب تهران است. به نظراتان ایران بازار جذابی برای فعالان نشر ترکیه خواهد بود؟

از نظر جذابیت مالی به نظرم خیر. ایران عضو کپی‌رایت نیست و ما حق دخالت در انتشار کتاب در ایران نداریم. با این حال برای نویسنده و ناشر تنها درآمد مهم نیست. او دوست دارد شناخته شود و آثارش خوانده شود. به نظرم اگر نویسنده ترک بفهمد که آثارش در ایران با اقبال روبرو شده خوشحال می‌شود از این حس مشترک و البته عصبانی از اینکه چرا اثرش بدون کپی‌رایت منتشر شده است. در ترکیه اما وضعیت برعکس است. درست است که ایران عضو کپی‌رایت نیست اما کسی نمی‌تواند اثری ایرانی را بدون اجازه طرف ایرانی چاپ کند و وزارت فرهنگ ترکیه اجازه این کار را نمی‌دهد. در نتیجه از این حضور ایران بیشتر از ما سود می‌برد.

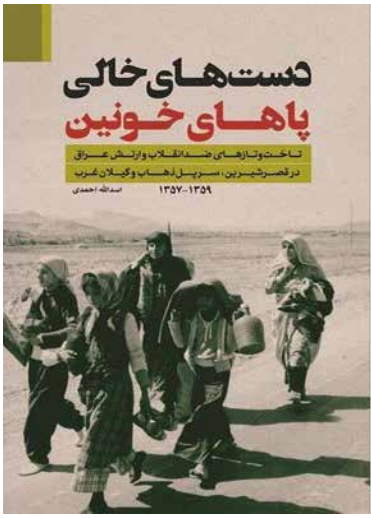
سوال پایانی را هم به ایران و حس خودتان نسبت به ایران اختصاص می‌دهم. چه چیزی از فرهنگ ایران شما را به خودش بسیار جذب کرده است

جواب این سوال بسیار مفصل است. من ادبیات ایران را با اینکه زیاد ادبیات نیستم خیلی دوست دارم. به نظر من اوج ادبیات ایران حافظ است. لذتی که از خواندن او می‌برم در کمتر متنی کسب کرده‌ام. جدای از این به سینمای ایران خیلی علاقه دارم و تا حد امکان آن را دنبال کرده‌ام. قبل از مسئولیت‌م در بنیاد وقتی تهران بودم تقریباً هر هفته سینما می‌رفتم.

و چه چیزی از این سینما برای شما جذاب است؟

مستقل بودن و طی کردن راه خودش را می‌پسندم. جذابیت مستقل بودن و ایده‌گرفتنش از خود زندگی و سادگی آن را دوست دارم. سینمای ایران از یک ایده ساده شاهکار خلق می‌کند و این بسیار با ارزش است.

دست‌های خالی، پاهای خونین...



در کتاب «دست‌های خالی و پاهای خونین» تلاش شده با اتکا به اسناد و منابع دست اول و مصاحبه با فرماندهان و رزمندگان صحنه مقاومت و نبرد، تاریخ‌نگاری وقایع به صورت مستند و متقن به رشته تحریر درآید.

در شهریور ۱۳۵۹ ارتش عراق براساس استراتژی جنگ برق‌آسا و کوتاه مدت، تجاوز سراسری خود را به مرزهای جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. این تهاجم دشمن با مقاومت نیروهای مردمی و قوای مسلح ایران در نوار مرزی مواجه شد و به ناکامی استراتژی ارتش عراق انجامید. در این میان استان‌های همجوار با عراق نقش بارزی در جلوگیری از پیشروی گسترده تهاجم سراسری دشمن ایفا کردند. کرمانشاه یکی از چند صحنه نبرد بود که به دلیل قرار گرفتن در مسیر راه بغداد تهران از اهمیت نظامی بسیاری برخوردار بود. در این محور مأموریت اصلی عراق برای تأمین بغداد و عمیق‌تر کردن شرقی آن که با تصرف پاتاق در عمق کیلومتری خاک جمهوری اسلامی محقق می‌شد بی‌نتیجه ماند.

در کتاب «دست‌های خالی و پاهای خونین» تلاش شده با اتکا به اسناد و منابع دست اول و مصاحبه با فرماندهان و رزمندگان صحنه مقاومت و نبرد، تاریخ‌نگاری وقایع به صورت مستند و متقن به رشته تحریر درآید.

در مقدمه این کتاب آمده است، پس از جنگ جهانی دوم امپراتوری عثمانی سقوط کرد و کشورهای جدیدی تحت نظارت انگلستان شکل گرفت. عراق یکی از کشورهایی است که در سال ۱۲۹۹ هـ. ش از تجزیه دولت عثمانی تشکیل شد. با سقوط دولت عثمانی نه تنها اختلاف‌های شدیدی بین دو دولت عثمانی و ایران در دوره قاجاریه پایان نیافت، بلکه کشور تازه تأسیس عراق پس از مدتی به آن‌ها دامن زد. دو واقع اختلاف‌های مرزی بین دو کشور عراق بعد از عثمانی و ایران و بعد از قاجاریه با فراز و نشیب ادامه یافت و در مواقعی حتی به لشرکشی دو کشور و تقویت نیروهای نظامی آنها نیز انجامید. این اختلاف‌ها در دوره پهلوی دوم در سال ۱۳۵۲ به اوج خود رسید.

در جریان این اختلاف‌ها، گفت‌وگوهای سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی میان دو کشور با فراز و نشیب دنبال می‌شد. در نتیجه عراق در بهرامه ۱۳۵۲ نقاضا کرد روابط سیاسی مجدد برقرار شود و در اواخر همین سال سفرای بین دو کشور مبادله شدند.

پیشینه تاریخی و وضعیت جغرافیایی منطقه

در فصل اول کتاب به موضوعاتی همچون پیشینه تاریخی و وضعیت جغرافیایی منطقه استان کرمانشاه، قصر شیرین، سر پل ذهاب، نوار مرزی و عوارض حساس منطقه شاه نشین و بازی دراز، ایل‌های غرب کرمانشاه پرداخته شده است.

کرمانشاه یکی از استان‌های غربی کشور پهناور ایران است که از شمال با استان کردستان از جنوب با استان ایلام، از شرق با استان همدان و از غرب با استان دیاله کشور عراق هم مرز است. این استان با وسعتی معادل ۶۶۸/۲۳ کیلومتر مربع نوزدهمین استان کشور از لحاظ مساحت است و براساس سرشماری سال ۱۳۵۵ جمعیت آن معادل ۱/۰۲۰/۷۱۴ نفر بود.

کرمانشاه اولین انقلاب پشرومن‌ها را سپس باختران نام گرفت اما در سال ۱۳۷۳ به نام سابق خود تغییر یافت. مجاورت با جلگه باستانی بین النهرین و بغداد و همچنین وجود منابع غنی نفت و گاز اهمیت خاصی به این داستان بخشیده است. این ناحیه به دلیل داشتن مناطق خوش آب و هوا از گذشته‌های دور برای بیلاق و گردش مورد توجه پادشاهان به خصوص سلاطین ساسانی بوده است. براساس تقسیمات کشوری، استان کرمانشاه در سال ۱۳۵۵ شامل ۵ شهرستان از جمله اسلام‌آباد غرب، پاوه، و اورامانات، کرمانشاه، سنقر و کلیای و قصر شیرین بوده و در همین سال بالغ بر ۱۷۱۴/۱۰۳۰ جمعیت داشته است. در دوران دفاع مقدس همه شهرستان‌های استان درگیر جنگ شدند اما شهرستان‌های گیلان غرب با جمعیت ۳۶/۴۳۶ نفر جمعیت، سر پل ذهاب با جمعیت ۶۰/۸۷۸ و قصر شیرین با ۵۲/۳۹۷ نفر جمعیت بیش از همه و به طور مکرر و مستقیم هدف حملات سنگین و بمباران‌های ارتش عراق قرار گرفتند.

در آستانه بحران

صدای انقلاب از رادیو ملی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ خبر پیروزی انقلاب را نوید می‌داد. مردم از به ثمرنشدن خون شهدایشان غرق در شادی بودند. فروپاشی نظام شاهنشاهی به همان میزان که موجب شادی مردم شده بود، تزلزل، تردید، نگرانی را در نیروهای شهربانی، ژاندارمری و امنیتی ایجاد کرده بود. نیروهای دولتی نیز از فروریختن دژهای نظام شاهنشاهی پهلوی، در بهت و شوک و نگرانی به سر می‌بردند. انقلابیون و مردم شهر به سمت مرکز شهربانی و هنگ ژاندارمری حرکت می‌کردند. این مراکز که در روزگاری نه چندان دور محل خوف و وحشت و سرکوب بودند، بدون کوچک‌ترین واکنش مأموران به تصرف درآمدند و در اختیار انقلابیون و مردم قرار گرفتند. هنوز صدای ناله‌های جوانان انقلابی زیر زبره‌های باتوم و شکنجه مأموران ساواک شنیده می‌شد و حس انتقام درون بعضی از جوانان شعله می‌کشید. جای‌جای این مراکز، زیرزمین‌ها و یازدانشگاه‌هایش خاطرات تلخی را در آذهان یادآوری می‌کرد.

اخبار و شایعات ناامید کننده به وسیله رادیوهای بیگانه و وابسته به گروه‌های ضد انقلاب به سرعت در بین مردم پخش می‌شد. جو شهرها، روستاها و نوار مرزی قصر شیرین به قدری متشنج بود که مدافعان انقلاب و مردم برای اجرای فعالیت‌های انقلاب و معمولی احساس امنیت نمی‌کردند. حمله به منازل افراد انقلابی، غارت اموال و قتل آنان، حمله به مراکز نظامی و فرهنگی، ایجاد کمین در جاده‌های مواصلاتی، گروگان‌گیری، سرقت احشام و دام‌های چوپانان و انتقال آن‌ها به آن سوی نوار مرزی به سهولت و با حمایت و چشم‌پوشی مرزداران عراق از دیگر اقداماتی بود که انجام می‌گرفت و موجب ناامنی شده بود. اخبار این قبیل اقداماتی که عوامل ضد انقلاب و برخی مردم فریب خورده با سرعت در منطقه مرزی استان کرمانشاه پخش می‌کردند رعب و وحشت را میان مردم چند برابر می‌کرد.

پس از پیروزی انقلاب، شهر سر پل ذهاب نیز همچون بعضی از شهرهای مرزی استان کرمانشاه، دستخوش حوادث ناگواری شد. در جریان انقلاب، چماقداران طرفدار حکومت شاهنشاهی بارها به این شهر حمله کرده و به قتل مردم و غارت اموال آنان پرداخته بودند. بعد از پیروزی انقلاب نیز سر پل ذهاب تحت تأثیر همان گروه‌های مخالف انقلاب قرار گرفت. این گروه‌ها با سواستفاده از شرایط ایجاد شده پس از سقوط رژیم شاهنشاهی، میدان شاه در بخش غربی شهر را به بازار خرید و فروش انواع و اقسام اسلحه و مهمات تبدیل کرد کردند. انواع سلاح‌های سازمانی از قبیل کلاشینکف، قناسه و... که با همکاری مرزداران عراقی وارد سر پل ذهاب می‌شد در همین بازار به فروش می‌رسید.

دولت وقت و بحران‌های مناطق کردنشین

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نابسامانی اوضاع سیاسی و آشفتنگی قوای نظامی ایران زمینه بروز بحران‌های داخلی را به ویژه در مناطق مرزی شمال غرب، غرب و جنوب کشور فراهم کرد. در چنین وضعیتی فعالیت گروه‌های ضد انقلاب و تجزیه‌طلب با عنوان خلق کرد و با هدف ایجاد خودمختاری در مناطق کردنشین در مجاورت کرمانشاه موجی از ناامنی را به دنبال داشت. همچنین فعالیت سلطنت‌طلبانی چون بختیار، اووسی، یالیزیان و سردار جاف در دشت ذهاب، کردت و قصر شیرین امنیت را سلب کرده بود. علاوه بر این پشتیبانی و حمایت عراق از اقدامات و فعالیت‌های نیروهای ضد انقلاب و اجرای عملیات‌های نفوذی، اطلاعاتی و ایذایی تا امنی را در مناطق مرزی دامن می‌زد. بحران در مناطق کردنشین به ویژه استان‌های کردستان و آذربایجان نیز در حال توسعه بود.

کتاب «دست‌های خالی، پاهای خونین» درباره تاخت و تازهای ضد انقلاب و ارتش عراق در قصر شیرین، سر پل ذهاب و گیلان غرب، به تألیف اسدالله احمدی، توسط مرکز اسناد وتحقیقات دفاع مقدس چاپ و منتشر شده است.

ثبت‌نام ۱۱۸ تیم و شرکت از ۲۴ استان در ساختار حمایتی همگرا ۹۹

ثبت نام از متقاضیان عضویت در دور دوم ساختار حمایتی بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای (همگرا) سال ۱۳۹۹ به پایان رسید و ۴۲ شرکت و ۷۶ ثبت‌نام تیم خود را نهایی کردند.

ثبت نام متقاضیان عضویت دور دوم همگرا که از ۱۴ بهمن ماه آغاز شده بود، ۳۰ بهمن به اتمام رسید و اعضای سابق همگرا و متقاضیان جدید با ارائه مدارک کافی ثبت‌نام خود را برای دریافت رتبه در ساختار همگرا سال ۱۳۹۹ انجام دادند.

در ثبت نام دور جدید همگرا، ۱۱۸ تیم و شرکت از ۲۴ استان کشور مشارکت داشتند که در این میان استان تهران با بیش از ۵۰ درصد بیشترین سهم ثبت نام را به خود اختصاص داده است.

بر اساس اعلام دبیرخانه همگرا تمامی درخواست‌های عضویت پس از تکمیل و جمعیت پرونده‌ها در دبیرخانه همگرا مورد ارزیابی کارشناسی کافه‌بازار، تبسل، کمیته ارزیابی تولید و کمیته ارزیابی فرهنگی قرار خواهند گرفت و طبق برنامه‌ریزی انجام شده رتبه‌ها تا پایان اسفند ماه به شرکت / تیم‌های حائز شرایط اعلام خواهد شد.

تیم‌ها و شرکت‌های دارای رتبه در سال ۱۳۹۹ یک سال فرصت خواهند داشت تا از خدمات حمایتی داخلی و بین‌المللی ساختار همگرا برای ارتقا کیفی بازی‌ها و توسعه بازار محصولات خود استفاده نمایند، ساختار حمایتی همگرا ۱۳۹۹ شامل ۴ سطح (۷ رتبه) است که سطح یک از «بازی‌سازان رشدیافته» (رتبه‌های سیمرغ و هما)، سطح دو از «بازی‌سازان در حال رشد» (رتبه‌های ققنوس و شیرادل)، سطح سه از «بازی‌سازان نوبیا» (رتبه‌های هادیوش و یوز) و سطح چهار از «تیم‌های بازی‌سازی مستعد» (معرفی‌شده از طرف مبادی) تشکیل خواهد شد.

حمایت‌های همگرا همچون سال گذشته به طور غیرمستقیم و از طریق خرید خدمات توسط بازی‌سازان عضو از «همکاران حمایتی همگرا» و یا «فهرست تأمین‌کنندگان خدمات مورد تأیید همگرا» و تأمین بخشی از هزینه‌ها طبق شیوه‌نامه جدید توسط ساختار همگرا صورت خواهد گرفت. ساختار حمایتی همگرا پس از طی شدن چند سال فرآیندهای فکری و نیازسنجی و با هدف مشخص «حمایت همسو با نیازهای بازی‌سازان» برای نخستین بار در سال ۱۳۹۶ آغاز و دور اول ثبت‌نام اعضا و همکاران حمایتی در همان سال انجام شد و سال ۱۳۹۷ برای نخستین دوره حمایت‌ها به بازی‌سازان عضو اختصاص یافت.

طول عمرمان افزوده‌ایم، بی توجه باشیم.